

# من هم وحشت کردم

## نوشته نورالله «نورمن» گبای

*Please find the English version of this essay in the accompanying file.*

دانه فلفل سیاه و خال مه رویان سیاه هر دو جانسوزند، اما این کجا و آن کجا  
کمیت کجا و کیفیت کجا...

آینده هر جامعه سناریویی است که خود جامعه می نویسد.

اخیراً مقاله ای تحت عنوان تقدیر یا تدبیر؟ نوشتم که سردبیر گرامی مجله پیام با این توضیح که «متأسفانه با آدم‌های غیر منطقی نمی توان از روی منطق بحث کرد»، از چاپ آن صرف نظر کردند. اما من بر این باورم که «آینه چون نقش تو بنمود راست / خود شکن، آینه شکن خطاست.» امروز همه تعریف ها و تکذیب ها، راست ها و دروغ ها، بدون سانسور و توسط اینترنت — از جمله وبسایت [BabaNouri.com](http://BabaNouri.com) — در سراسر دنیا پخش می شوند و چه بسا ماندگار شوند. تصادفاً آقای ام. اف. پدر خانواده آمریکایی اصیل و عزیزی که خویشاوند من هستند و نواده‌های مشترک داریم، پس از مطالعه متن انگلیسی مقاله نامبرده، به من تلفن کرد و گفت، «می خواهم به اتفاق دوستم ساعت ۱۱ صبح به دفتر شما بیایم.»

هر دو با پرونده ای حاوی تعدادی عکس، نمودار و نامه آمدند. آقای محقق که نمودارهای انگلیسی و ترجمه فارسی پیوست را با زحمات زیاد تهیه کرده بود، گفت که طبق این مدارک مستند، نسل آینده یهودیان غیر ارتدوکس و مقیم آمریکا رو به زوال دارد، در حالی که نسل رو به رشد یهودیان ارتدوکس ماندنی هستند و محافظ یهودیت خواهند بود. عنوان نمودارها گویای آن بود که این آمار یهودیان آمریکا را به وحشت انداخته اند. (برای بررسی نسخه فارسی این نمودارها به صفحه دوم این نوشتار مراجعه کنید.)

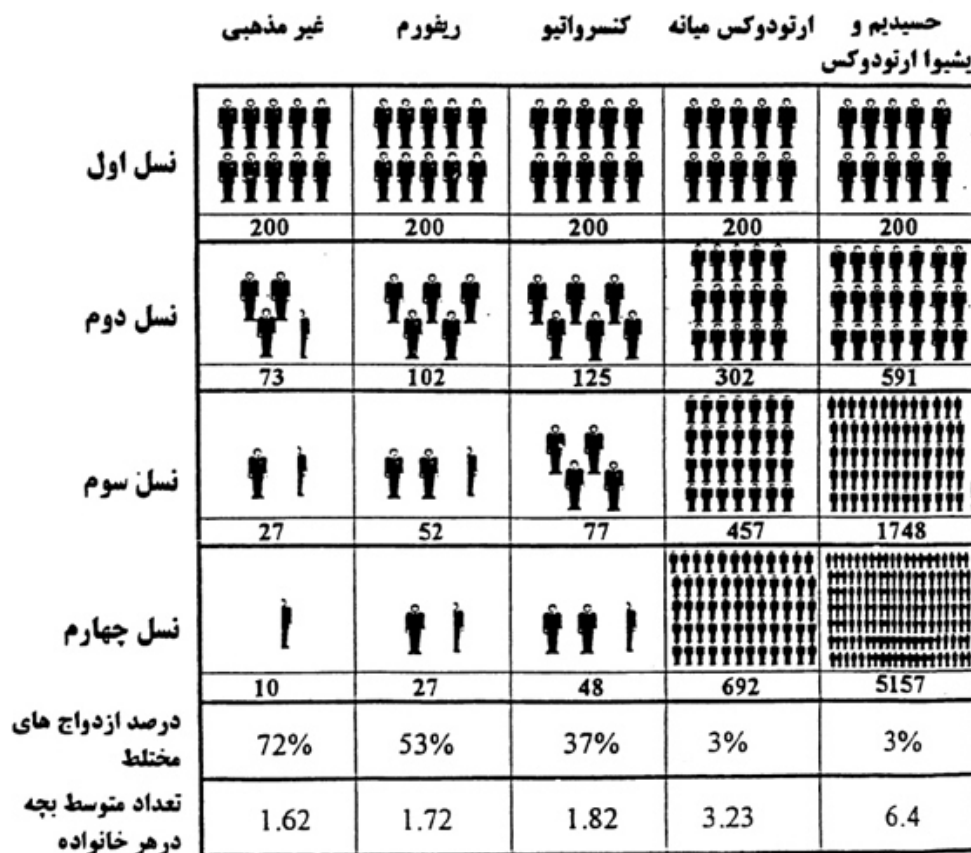
من هم ضمن همدردی اما به گونه ای کاملاً متضاد وحشت کردم و ضمن تأیید و تشکر از زحمات ایشان که صمیمانه درصدد چاره جویی هستند، دیدگاهم را همچون گذشته بیان کردم و گفتم، «عزیزان، برگشت به گذشته کارساز نیست. تنها راه مبارزه با یک فلسفه یا فرهنگ غلط، ارائه و اشاعه فرهنگی

پیوست: نسخه فارسی نموداری که به نگارنده ارائه شد.  
 نورالله گبای هم هراسان شد و نوشت...

۶۵۵

## آماري که يهوديان آمريکا را به وحشت انداخته است آیا فرزندان و نوادگان شما يهودی باقی خواهند ماند؟

نقل از نشریه Heritage هرنیچ  
 ترجمه بهرام آقالربور



• جدول فوق نمودار ازدیاد و نقصان جمعیت یهودیان آمریکائی در نسل های آینده و درصد ازدواج های  
 مختلط و تعداد متوسط بچه در خانواده های آنان میباشد

بهتر است. نقض غرض است که به این منظور و به هدف حفظ دین، موهومات گذشته را ترویج کرد، آن هم به معیار تفسیراتی که تاریخ مصرف آنها مدت ها است که منقضی شده است. چنین نسلی، اگر هم بماند، قابل اعتنا و مفید به حال خود و جامعه نخواهد بود، چون بسیاری از عقاید و کتب درسی ایشان با علم روز خوانایی ندارد.»

درست است که جمعیت مثرثمر غیر ارتدوکس رو به نقصان دارد، گروهی که بسیاری از افتخارآفرینان ما، از جمله ۲۲٪ برندگان جوایز نوبل، یاری دهندگان توان مالی اسرائیل در بدو استقلال کشور و غیره را شامل می شود. آیا جامعه و فلسفه ارتدوکسی حتی با صدها هزار دانشجوی ییشیوا می توانند جایگزین حتی یک نفر از این افتخارآفرینان شوند؟ هدف من و شما بقای یهودیت است و هم از این رو، اما از زاویه ای دیگر، من هم وحشت کردم. من به وجود افتخارآفرینان یهودی در ۲۰۰ سال اخیر افتخار می کنم. آیا تدریس موهومات قادر به مقابله با علم و تمدن روز است؟ از نوه خودم که برخلاف میل من به جای دانشگاه، به «یشیوا» می رفت پرسیدم، «درس امروز چه بود؟» گفت، «The law — قانون.» پرسیدم، «در کتاب چه آمده بود و معلم چه گفت؟» پاسخ داد، «موضوع مورد بحث این بود که اگر گاوی به گاو همسایه شاخ بزند و شکم گاو همسایه پاره شود یا پای گاو همسایه بشکند، جرم و مجازات آن چگونه خواهد بود!» من نمی گویم که همه درس های ییشیوا همین گونه هستند. اما چنان که گفتم و می گویم، این گونه درس های ییشیوا به چه درد تمدن مدرن و دنیای امروز می خورد؟ کدام دادگاه، کدام وکیل، کدام قاضی به این نوشته ها توجه خواهد کرد؟ تا کی می خواهید در لباس ترویج دین، به اتلاف وقت صدها هزار جوان ادامه دهید و برخلاف جریان رود حیات شنا کنید؟ آیا معلمی که چنین چیزهایی را تدریس می کند نمی داند که این گونه درس ها وقت جوانان را تلف می کنند؟ یا آن که می داند و تنها به فکر شغل خود و کسب روزی است؟

آری، به شدت وحشت کردم، چون طبق برآورد صحیح شما، اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، کاهش قشر تحصیل کرده ما حتمی است، قشری که می توانست همچنان مفید به حال خود و نسل آینده باشد. این مسئله از آنجا ناشی می شود که امروز ما و قشر خردگرای ارتدوکس بی تفاوتیم اما افراطیون فعالیت می کنند؛ و از این رو، در حالی که از لحاظ دین، صدها مایل به پیش می رویم، از لحاظ آگاهی های تازه و علم روز، هزاران مایل به عقب بر می گردیم. اگر اوضاع بر همین منوال پیش برود، اکثریت باقی مانده نسل آینده انسانهایی محتاج و دست به دامن هشیم یعنی خدا خواهند بود — گروهی مارکدار که خود را در گتوهای خودساخته چنان با معلوماتی غیر قابل اعتنا محبوس خواهند کرد که دنیا هرگز به حسابشان نخواهد آورد.

من از این تصویر وحشت می‌کنم، چرا که آن روز، اکثریت نسل بعدی همین دینمداران، به تمامی از دین خواهند گریخت و نه از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاک – نشان، نه از مروّج و نه از محصل، نه از این فرقه و نه از آن! به قول معروف، سرانجام کسی که خلاف جریان شنا کند غرق می‌شود.

شما به کمیّت (تعداد) بازماندگان نگاه می‌کنید و می‌ترسید، حال آن که من به کیفیت (سطح دانش و فهم اکثریت آنان) نگاه می‌کنم – و وحشت می‌کنم. «ما درون را بنگریم و حال را / کی برون را بنگریم و قال را.» یک سرباز بیدار می‌تواند از هزاران سرباز در خواب دفاع کند، اما هزاران سرباز در خواب نمی‌توانند چه از خود یا از دیگران حفاظت کنند. در این میان، قشرِ ارزندهٔ تحصیل کرده، روشنفکر و متعادلِ ارتدوکس است که می‌تواند و می‌باید اکثریتِ افراطی ارتدوکس را به تعادل وادارند، چون حرف امثال نگارنده ابدأً به گوش دستهٔ دوم نمی‌رود، اما حرفِ خودی شنیدنی و عملی است. انسان متعصب و ناآگاه به گوینده می‌نگرد نه به سخن، و تصوّر می‌کند که هر کس با او نیست علیه او است. فقط قشرِ خردگرای ارتدوکس قادرند به کسانی که دین را ابزار مقاصد خود قرار داده اند بفهمانند که به گواهی تاریخ، بقای یهودیت همواره مُتکی بر تحصیلِ علم روز بوده است و نه تدریسِ مکرّر کتاب های عهد عتیق.

شمار فراوانی از جوانان ارزشمند ما در مکتب های مذهبی به هدر می‌روند بی آن که تقصیری داشته باشند، زیرا بعضی از والدین، مدرّسین و کتاب های درسی ایشان همگام زمان نیستند. آری، نه تنها در دین یهود بلکه در همهٔ ادیان، افراطیون مایهٔ عذابی برای دانایان اقشار مختلف هستند و چه بسیار دانایان بی‌گناهی که به خاطر آنها آسیب می‌بینند. نمونهٔ بارز این گفتهٔ دوستان عزیز ایرانی ما هستند که امروز، بدون هیچ تقصیری، مشمول قوانین ضد تروریستی می‌گردند و متأسفانه، در حالی که خود بیش از هر کس مخالف افراطیون هستند، به مصداق آن که «ماران کنند و موران کشند»، به ناحق و ناعادلانه مشمول مجازات می‌گردند.

کمبود جمعیت یهودی به شمار افراد این جامعه بستگی نداشته و نخواهد داشت. زمانی ارزشهای ما شناخته و صدایمان شنیده خواهند شد که در دانش های روز و پیشرفتِ زمان سهم داشته باشیم، نه آن که در قفسِ خودساختهٔ دین و امانده باشیم. بقای هر دین و فرهنگ بر پایهٔ رشد آن قرار دارد. درختی که رشد نکند می‌میرد. زندگی با تولد شروع می‌شود، با تحول رشد می‌کند، با تحصیل علم بقا پیدا می‌کند و با سکون پایان می‌پذیرد. ساکن کردن نسل های آینده در پیلهٔ تغییر ناپذیر دینِ مقدمهٔ بی خبری آنان از حال و آیندهٔ خانه و جامعهٔ خود و موجب دوری آنان از دنیا است. اگر اوامر دینی با دنیای روز همگام نگردند،

سرانجام خود را نفی می کنند. باورِ یک فرد مهم نیست؛ آنچه اهمیت دارد درک و دانش اوست. اینجاست که تلمود می گوید، «حبروتا او میتوتا» یعنی «یا معاشرت یا مرگ». معاشرت یعنی با دنیا بودن و از دنیای روز آموختن. قشرِ منزوی نمی تواند افتخار آفرین باشد. درها را باز کنید، مانند دنیا بپوشید و به زبان دنیا سخن بگویید. با دنیا باشید تا دنیا با ما باشد.

نمونه قرار دادنِ یهودیانِ آلمانی پیش از جنگ جهانی مغلظه است. تحوّل و تجدّد ربطی به دین ندارد. اجتماع فقط زمانی پایدار می ماند که در مسیرِ روشننگری با دنیا همراه باشد، نه آن که به نام دین در پیله بماند. یکی از دلایل کاهش جمعیت ما، طبق بررسی صحیح شما، افرادی هستند که از خرافات، موهومات، ممنوعیت های بی اساس و مشروط بودن های دلخواهی فرار می کنند. آدمی پیش از هر چیز آزادی می خواهد. نظم بدون آزادی و آزادی بدون نظم هرگز پایدار نخواهد بود؛ و نظمی پایدار خواهد بود که متعادل و منطقی باشد. انسان نیاز و میلی به ترس بی مورد از دین و آتشِ دروغین جهنم ندارد، همچون آن که به نوه من و شما به نامی دین بگویند، «هر بار که به زن دست بدهی، بیست سال از عمرت کم می شود!»

پلیسی مهربان در خیابانی پر رفت و آمد متوجه کودکی دو-سه ساله می شود که گم شده است و گریه می کند. پلیس کودک را با مهربانی بغل می کند و می بوسد، اما گریه کودک صد چندان می شود. پلیس به او شیرینی و اسباب بازی می دهد، اما کودک همچنان به گریه ادامه می دهد. در این اثنا، مادری در حین عبور از کنار آنها، کودک را از پلیس می گیرد و بغل می کند. ناگهان گریه کودک متوقف می شود. مادر غریبه به پلیس می گوید، «من ناظر بودم که چه اندازه به این کودک محبت کردید، اما توجه نداشتید که او از خود شما می ترسد!»

افراد روشنفکر نه از دین، بلکه از گفته ها و امر و نهی های بی موردِ مروّجین می ترسند و می گریزند. ما یهودیانِ ایرانی، در طول ۲۶۰۰ سال، یهودیت خود را بدون یشیوا، در محیطی درون اجتماع ما که مطلقاً از تبعیض و فرقه گرایی به دور بود، یکدست حفظ کردیم. برای ما، یهودی یهودی بود. این مروّجین تابع فرهنگ گتو بودند که دایره تتگ جامعه ما را تتگ تر کردند تا آنجا که اینک فرزندانمان برای ازدواج با این یا آن فرقه مشکل دارند. این در حالی است که شأن فرامین عقلانی ارزنده تورات مقدس و رای گفتار و رفتار بسیاری از این مروّجین است. من از این رفتارها و گفتارها وحشت دارم. در درازای آن اعصار، ما متعادل بودیم که ماندیم. اشتباه است که تقصیر همه مشکلات را به گردن دین و یشیوا بیاندازیم. ما به مدرسینی آگاه و متعادل احتیاج داریم تا جامعه و آینده ای آگاه و متعادل داشته

باشیم. با این مدرسین و ترساندن مردم هرگز گره ای باز نشده است و نخواهد شد. به قول زکریای رازی،  
«هر جا به مشکلی برخوردید، به عقل خود مراجعه کنید.»

برای رفع تاریکی شب باید پیش از غروب آفتاب به فکر چراغ بود؛ و برای حلّ معضل کاهش جمعیت، باید تا دیر نیست از روشنی اندیشه یاری گرفت، وگرنه در ظلمت خرافات چراغی نخواهیم یافت. **من از تاریکی وحشت دارم، نه از کم شدن جمعیت.** اگر اتاق روشن باشد، هیچ کسی تاریکی را بر نمی‌گزیند. با تنگ تر کردن دایره کوچک جامعه، بر جمعیت مفید ما افزوده نخواهد شد، بلکه صرفاً مشتی انسان غیر قابل اعتنا باقی خواهند ماند — **و من از همین می ترسم.**

من نمی گویم که پیرو این یا آن فرقه باشیم. حرف من این است که یهودی آگاه باشیم تا یهودیت بماند؛ وگرنه بود و نبود ناآگاهان کمکی به رشد جمعیت مفید نمی کند. خطا است که این یا آن گروه را مقصّر بدانیم: ما خود مقصّریم که همچنان از دخالت های بیجا و دسته بندی های گوناگون جلوگیری نمی کنیم.

بهترین و مطمئن ترین فضا برای تعلیم مسائل دینی و حفظ و بقای دین همان محیط خانواده است. هیچ مدرّس و معلّمی بیشتر از پدر و مادر **مصلحت فرزند را نمی داند.** اینجاست که پدران و مادران باید خود را با زمان وفق بدهند تا فرزندانشان از دوران کودکی متعادل بمانند و در جوانی اسیر مروجین خرافات، کسانی که دین را ابزار قرار داده اند، نگردند.

واقع بین باشیم. محصلّ یثیوا امکانات دانشگاه ها را در اختیار ندارد که برای خود و جامعه افتخار بیافریند و برای خود و خانواده اش زندگی بهتری فراهم آورد. من می دانم که در سالهای دور، پیش از رنسانس، زمانی که یهودی را به دانشگاه های اروپا راه نمی دادند، این یثیوا بود که زیر چکمه های ظلم، یهودیت و فرهنگ یهود را حفظ کرد و حتی بر فرهنگ اروپا تأثیر گذاشت. اما امروز، در صورتی موفق و مفید به حال خود و دیگران خواهیم بود که یثیوا تبدیل به دانشگاه شود، مدرّسین آن بر علوم روز احاطه داشته باشند و متون تفسیرات قرن های گذشته، همراه با مدرّسین و معلّمین کهنه اندیش سایر مکتب های دینی، به روز شوند و با زمان همگام باشند.

با توجه به فرامین عقلانی تورات مقدس، یهودیت یک ایمان بارور، یک ودیعه انسانیّت و یک اخلاق پربرابر، بالنده و تغییر پذیر است، نه پدیده ای متحرّج. آیا تکرار بسیاری از درس های کهنه بهداشتی یا اجتماعی در مکتب های دینی با معیارها و یافته های تازه دنیای امروز همخوان است که اینان همچنان آنها را تدریس می کنند و انتظار بقای فرهنگی دارند؟ دنیا با دریافت کتاب های مذهبی و ظهور بزرگان

ادیان متوقف نشده است. «هر دم از این باغ بری می رسد، / تازه تر از تازه تری می رسد.» انسان برای دین زاده نشده است، بلکه دین برای انسان آمده است. ضرب المثلی آمریکایی می گوید، «اگر نمی توانید از چیزی پیشی بگیرید، به آن ملحق شوید.»<sup>1</sup> با علم بر این که هیچ نیرویی برتر از قدرت زمان نیست، بیایید تا با علم و تمدن روز همگام گردیم تا بمانیم، ماندنی که از بابت کمیت و کیفیت، مفید و ارزنده باشد. مسیر زندگی آینده هر جامعه را همان جامعه می نویسد و سرنوشت هر جامعه را همان جامعه تعیین می کند. این روزها دیگر برای یافتن مقصد از کارمند پمپ بنزین یا بقال سر کوچه آدرس نمی پرسیم، بلکه از راهنمایی «مسیریاب ماهواره ای»<sup>2</sup> بهره می بریم. این یعنی به کارگیری دانش روز.

وحشت نکنیم.

با راهنمایی عقل، راهی را که پیش رو داریم تعیین کنیم و در نگارش سناریوی زندگی خود و آینده جامعه سهم داشته باشیم.

**به تنهایی فریاد می زنم:** بی دلیل نیست که می بینیم دشمنان طبقه عقب افتاده جامعه ما را که مخالف برآورده شدن آرزوی دوهزار ساله ملت یهود، یعنی استقلال مجدد کشور اسرائیل هستند، دوست دارند. دشمنان اینان را دعوت می کنند و تقویت می کنند، چون ما را نه آگاه بلکه عقب مانده می خواهند — عقب افتادگانی دیندار، بی دفاع، بدون سواد روز، بی کار، مصرف کننده، گوشه گیر، مارکدار، گدای دائمی درگاه هشیم، فراموشکار و مقیم گتوی خودساخته. این گروه فراموش کرده اند که اگر تا دیروز، تحت فشار دشمنان، مارکدار و اسیر گتو بودیم، امروز خود داوطلبانه و در لباس ترویج دین همان کار را در حق خود می کنند.

چنان که در دین یهود آمده است، «کُل مَعْسِه بَه مَحْشَوَابَا تَحِيلَا»، یعنی «هر عمل از اندیشه و تصمیم آغاز می شود.» فرضیات اولیه موهوماتی که منتسب به دین هستند، از جمله مسئله پوشش و ظواهر این یا آن فرقه، از پایه نادرست بوده اند. به خاطر داشته باشیم که نازیسم در اروپا به وسیله جاسوسانی که در لباس ربانیم در جامعه یهود رسوخ کرده بودند، میلیونها نفر را به کشتن داد.

<sup>1</sup> "If you can't beat it, join it."

<sup>2</sup> G.P.S. Global Positioning System Navigator.

بیدار باشیم تا آسوده بخوابیم.

همگام زمان باشیم تا گم نشویم —

و گر نه آنقدر کوچک می شویم که دیده نخواهیم شد...

نورالله «نورمن» گبای

دسامبر ۲۰۱۷، لس آنجلس

برای دریافت کپی این مقاله و سایر مقالات و نوشته های نورالله گبای به زبانهای فارسی و انگلیسی، از جمله کتاب او با عنوان لحظاتی برای تفکر، دیکشنری زبان هزاران ساله یهودیان کاشان، و به زودی، کتاب دیجیتالی شامل مقالات اخیر او، به وبسایت [BabaNouri.com](http://BabaNouri.com) مراجعه کنید.

(پایان مقاله)